

Islamic Knowledge and Insight

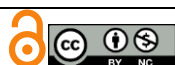
Exploring the Grounds for People's Benefiting from the Blessing of Wilayah for Growth and Perfection from the Perspective of the Qur'an and Nahj al-Balagha

1. Fatemeh Zahra Ramezani: PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran
2. Seyed Hamid Hosseini*: Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (Email: Hoseinihamid2@gmail.com)
3. Hamed Fathaliani: Assistant Professor, Department of Education, Malayer Branch, Islamic Azad University, Malayer, Iran

Abstract

The blessing of wilayah (guardianship) is recognized as one of the greatest divine blessings in the Qur'an and Nahj al-Balagha, which plays a significant role in the growth and perfection of human beings. Wilayah, as a divine guidance towards leading people to perfection and felicity, is considered a fundamental principle in Islamic thought. Given the revealed teachings of the Qur'an and the words of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), establishing and explaining the grounds for people to benefit from the blessing of wilayah for their growth and perfection is of paramount importance. This research aims to examine the grounds for benefiting from the blessing of wilayah for the growth and perfection of human beings from the perspective of the Qur'an and Nahj al-Balagha. The study seeks to answer the question of how individuals can utilize this blessing for their spiritual, religious, social, and ethical development and what relationship exists between obedience to the divine authorities and attaining human perfection. The research method in this article is descriptive-analytical, utilizing credible Islamic sources such as the Qur'an and Nahj al-Balagha to analyze religious concepts and teachings. In this study, while reviewing the verses of the Qur'an and the hadiths of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), the principles and theoretical aspects related to wilayah and its impact on human growth and perfection are analyzed. The results of the research show that the blessing of wilayah, as one of the most significant divine gifts, can serve as a foundation for the growth and perfection of human beings in various dimensions. Obedience to the divine authorities, which is specifically emphasized in the Qur'an and Nahj al-Balagha, is essentially obedience to God. In this context, the wilayah of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), as the complete manifestation of divine wilayah, guides humans on the path of truth and growth. Moreover, wilayah not only serves as divine guidance in individual, social, and ethical domains but also strengthens the individual's connection with God and leads to the attainment of human virtues.

Keywords: Wilayah, Acceptance of Wilayah, Growth and Perfection, Blessing, Qur'an, Nahj al-Balagha.



How to cite: Ramezani, F. Z., Hosseini, S. H., & Fathaliani, H. (2024). Exploring the Grounds for People's Benefiting from the Blessing of Wilayah for Growth and Perfection from the Perspective of the Qur'an and Nahj al-Balagha. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(3), 1-10.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Received 05 July 2024

Revised 19 September 2024

Accepted 26 September 2024

Published online 08 October 2024

معرفت و بصیرت اسلامی

بررسی زمینه های بهرمندی مردم از نعمت ولایت در جهت رشد و تعالی از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه

۱. فاطمه زهرا رمضانی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
۲. سید حمید حسینی*: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (پست الکترونیک: Hoseinihamid2@gmail.com)
۳. حامد فتحعلیانی: استادیار، گروه معارف، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران

چکیده

نعمت ولایت از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی شناخته می‌شود که نقش بسزایی در رشد و تعالی انسان‌ها دارد. ولایت به عنوان راهنمای الهی در جهت هدایت مردم به سوی کمال و سعادت، از اصول اساسی در مکتب اسلام به شمار می‌آید. با توجه به آموزه‌های وحیانی قرآن و کلمات اهل بیت (علیهم‌السلام)، تأسیس و تبیین زمینه‌های بهره‌برداری مردم از نعمت ولایت برای رشد و تعالی انسان‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. هدف این تحقیق بررسی زمینه‌های بهره‌برداری مردم از نعمت ولایت در جهت رشد و تعالی از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که چگونه انسان‌ها می‌توانند از این نعمت برای رشد معنوی، دینی، اجتماعی و اخلاقی خود استفاده کنند و چه ارتباطی میان اطاعت از اولیاء الهی و دستیابی به کمال انسانی وجود دارد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع معتبر اسلامی همچون قرآن کریم و نهج البلاغه به تحلیل مفاهیم و آموزه‌های دینی پرداخته می‌شود. در این پژوهش، ضمن بررسی آیات قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام)، به تحلیل اصولی و نظری در رابطه با ولایت و تأثیر آن بر رشد و تعالی انسان پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نعمت ولایت به عنوان یکی از مهم‌ترین نعمات الهی، می‌تواند زمینه‌ساز رشد و تعالی انسان در ابعاد مختلف باشد. اطاعت از اولیاء الهی که به طور خاص در قرآن کریم و نهج البلاغه بر آن تأکید شده، در واقع به معنای اطاعت از خداوند است. در این راستا، ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) به عنوان مصداق کامل ولایت الهی، انسان‌ها را در مسیر حق و رشد قرار می‌دهد. همچنین، ولایت نه تنها به عنوان راهنمای الهی در عرصه‌های فردی، اجتماعی و اخلاقی عمل می‌کند، بلکه سبب تقویت ارتباط فرد با خداوند و دستیابی به کمالات انسانی می‌شود.

کلیدواژگان: ولایت، ولایت پذیری، رشد و تعالی، نعمت، قرآن، نهج البلاغه.

شیوه استناددهی: رمضانی، فاطمه زهرا، حسینی، سید حمید، و فتحعلیانی، حامد. (۱۴۰۳). بررسی زمینه های بهرمندی مردم از نعمت ولایت در جهت رشد و تعالی از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه. معرفت و بصیرت اسلامی، ۲(۳)، ۱-۱۰.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

دریافت شده در تاریخ ۱۵ تیر ۱۴۰۳

اصلاح شده در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۴۰۳

پذیرفته شده در تاریخ ۵ مهر ۱۴۰۳

منتشر شده در تاریخ ۱۷ مهر ۱۴۰۳

مقدمه

خداوند نعمت‌های بی‌شمار ظاهری و باطنی به انسان عطا کرده است، که شناخت و شمارش آن‌ها برای بشر ممکن نیست (ابراهیم/۳۴، لقمان/۲۰). از میان این نعمت‌ها، نعمت نبوت و ولایت جایگاه ویژه‌ای دارند. قرآن کریم به نعمت بعثت انبیا اشاره دارد (مائده/۲۰) و ولایت را یکی از ارکان اساسی اسلام معرفی می‌کند (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۸). هدایت به صراط مستقیم نیز از نعمت‌های بزرگ الهی است که در پرتو ولایت پیامبران و اولیای الهی تحقق می‌یابد (صافات/۱۱۴-۱۱۸، فتح/۲). توجه به نعمت‌های الهی، از نعمت‌های ظاهری مانند اعضای بدن تا نعمت‌های باطنی چون هدایت و ولایت، انسان را به رشد و تعالی هدایت می‌کند (ضحی/۱۱). اولیای الهی که خود هدایت شده‌اند، به عنوان نعمتی بزرگ، دیگران را نیز به صراط مستقیم هدایت می‌کنند.

بیان مسئله

شناخت عوامل رشد و تعالی و یا انحطاط مردم و یا یک جامعه قطعاً مستلزم شناخت صحیح انسان و جامعه است و شناخت این دو، وابسته به چگونگی فهم آن‌ها از خلقت و به تعبیر دیگر بسته به «هستی‌شناسی» انسانهاست. بنابراین، درک دقیق اسباب رشد و تعالی هر جامعه رابطه مستقیمی با نوع بینش، تفکر و به عبارتی بستگی به جهان‌بینی افراد جامعه دارد و چون جهان‌بینی‌ها مختلف است، تفسیرها از رشد و تعالی جامعه و نوع مواجهه مردم با نعمات الهی بویژه نعمت ولایت نیز گوناگون می‌باشد. در این بین فهمیدن چگونگی مواجهه صحیح با نعمت عظمای ولایت و بهره‌مندی از آن در جهت رسیدن به رشد و تعالی مورد نظر قرآن کریم و آموزه‌های روایات موضوع سهل و آسانی نیست، چنانکه در بررسی تفاوت مواجهه مردم با نعمت ولایت (از تصدیق و تسلیم در برابر نعمت ولایت تا انکار و مقابله کافرانه با آن) این موضوع بخوبی روشن می‌گردد. رشد و تعالی انسان، موضوع بسیار با اهمیتی است که در قرآن کریم و نهج البلاغه و همچنین سایر متون دینی و روایان

معصومین (علیهم السلام) بصورت دقیقی از زوایای مختلف به آن پرداخته شده است، این مهم در دیدگاه قرآن کریم و نهج البلاغه فقط در پرتو توجه، اقبال و مواجهه درست و بهره‌مندی از نعمتهای الهی بویژه «نعمت ولایت» تحقق خواهد یافت. البته چنانکه هر نعمتی دارای آثاری است، فقدان یا محرومیت از آن هم برای انسان آثار دیگری دارد. مثلاً نعمت جوانی آثار خاصی در زندگی انسان دارد و فقدانش هم آثار خودش را دارد. انسانها گاهی به آسانی آثار وجودی و فقدان برخی نعمتها را می‌فهمند (مثل نعمت رزق و سلامتی) ولی زمانی هم ممکن است به همان آسانی متوجه ابعاد مختلف و بسیار مهم نعمتها و یا محرومیت از برخی نعمتهای الهی که دنیا و آخرت آن‌ها متأثر از آن است، نباشند و به سادگی با آن مواجه و حتی گاهی از آن اعراض و یا با کمال شگفتی آن را انکار می‌کنند. بنابر این برای اغلب انسانها اهمیت بهره‌مندی و یا محرومیت نعمتهایی از قبیل جوانی، سلامتی، ثروت، زیبایی و... قابل درک است، ولی همانها از فهم و درک اهمیت نعمت عظمای «ولایت» که در بین نعمتهای الهی از بزرگترین نعم حق تعالی بر انسان است، عاجز و قاصر هستند. مسئله اصلی این پژوهش این است که نوع مواجهه مردم با نعمت عظیم «ولایت» چه تاثیری در رشد و تعالی مطرح شده در قرآن کریم و نهج البلاغه برای آن‌ها دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

«ولایت»، نعمتی بی‌بدیل و اصل اساسی در نجات و سعادت فرد و جامعه و نیز رسیدن به رشد و تعالی است. «ولایت» نعمتی گرانسنگ است که درک آن و در مسیر هدایت ولایتی قرار گرفتن مردم سبب می‌شود آن‌ها در صراط مستقیم قدم بگذارند بنابر این رشد و تعالی افراد و جامعه اسلامی ارتباط وثیقی با چگونگی رویکرد مردم با نعمت ولایت دارد. لذا ضروریست این ارتباط و چگونگی تاثیر آن بدقت مورد مطالعه قرار بگیرد. قرآن کریم به صیغه امر می‌فرماید: ﴿فَإِذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ﴾ (اعراف/۶۹) آلای و نعمتهای خدای متعال را ذکر کنید و این فرمان صریح و روشن است. در جای دیگر امر فرموده

است: ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ (ضحی/۱۱) و اما در باره نعمت پروردگارت سخن بگو. و چون یکی از نعمتهایی که در روایات خیلی به آن اشاره شده است، «نعمت ولایت» است، ضرورت این پژوهش که بحث در باره نعمتهای الهی امر خداست، بویژه نعمت ولایت که از اعظم نعمتهای پروردگار و به نوعی سخن، ذکر و حدیث از نعمت الهی است، بخوبی برای خواننده محترم روشن می‌گردد. و دیگر آنکه تحلیل چگونگی مواجهه مردم با نعمتهای الهی از چند جهت حائز اهمیت است: اولاً: معلوم کننده میزان فهم و سطح درک آن‌ها از نعمتها و معرفت به نعمتهاست. ثانیاً: مشخص کننده نوع مواجهه مردم با نعمتها است. ثالثاً: ترتیب و درجه نعمتها در نظر مردم و جامعه معلوم می‌کند. رابعاً: باز خوانی و باز فهمی و تذکر اهمیت و عظمت نعمت ولایت سبب معرفت انسان به آن و او را شاکر و قدر دان آن نعمت می‌کند.

پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد آثار متعددی به موضوع ولایت پرداخته‌اند. کتاب "رشد و تعالی انسان از منظر قرآن و روایات" نوشته ناصر رفیعی محمدی، عوامل رشد انسان مانند خدائینی و دینداری را بررسی کرده است اما به مواجهه مردم با نعمت ولایت نپرداخته است. در کتاب "ولایت اتمام نعمت" نوشته فاطمه میرزایی، ویژگی‌های ولایت امام علی (ع) به عنوان نعمتی الهی تحلیل شده اما بحثی درباره تأثیر آن بر رشد و تعالی مطرح نشده است. کتاب "برترین نعمت" از سید کریم واعظ حسینی نیز پیام‌های واقعه غدیر را بررسی کرده اما به مواجهه مردم با ولایت اشاره‌ای ندارد. مقاله "سیری در مبانی ولایت فقیه" نوشته عبدالله جوادی آملی، به اختیارات ولی فقیه پرداخته اما پیوند آن با رشد و تعالی مردم را مطرح نکرده است. همچنین، مقاله "مبانی رشد در قرآن کریم" از محمد کاظم شاکر رابطه بین ولایت، اطاعت و رشد را بررسی کرده و رشد را در رأس هرم این رابطه قرار داده است. در پایان‌نامه "انگیزه‌های رشد انسان" نوشته زهرا موحدین، تلفیقی از دیدگاه قرآن و روان‌شناسی در خصوص هدایت و رشد انسان ارائه شده

است. این آثار اگرچه به جنبه‌هایی از ولایت پرداخته‌اند، تأثیر مستقیم آن بر رشد و تعالی جامعه و مواجهه مردم با این نعمت الهی را تحلیل نکرده‌اند.

تعریف مفاهیم و اصطلاحات

مفهوم ولایت

«ولایت» از واژه‌های پر استعمال در قرآن کریم و نهج البلاغه است. از نظر لغوی گفته شده «الوکی حصول بعد الاول من غیر فصل»: ولی عبارت است از قرار گرفتن فرد با شیء دوم به دنبال فرد یا شیء اول، بدون فاصله، وکی الشیء و علیه ولایه ولایه: یعنی مالک امر آن شده و بر آن قیام کرد یا آن که از ولایت با فتح و کسر - هر دو - به معنای امارت و سلطنت است «(اقرب الموارد، ماده ولی). راغب اصفهانی گوید: «الولاء و التوالی ان يحصل شییان فصاعداً حصولاً لیس بینهما ما لیس مثلهما» ولاء و توالی به معنای آن است که دو چیز یا بیشتر از آن، طوری قرار گیرند واقع شوند که بین آن دو غیر از خود آن‌ها چیز دیگری نبوده باشد. (مفردات راغب، ماده ولی). (ولایت) واژه‌ای عربی است که از کلمه (ولی) گرفته شده است. در لغت عرب، (ولی) به معنای امدن چیزی است در پی چیز دیگر، بی آنکه فاصله‌ای در میان آن دو باشد که لازمه چنین توالی و ترتبی، قرب و نزدیکی آن دو به یکدیگر است. از این رو، این واژه با هیئت‌های مختلف (به فتح و کسر) در معانی (حُبّ و دوستی)، (نصرت و یاری)، (متابعت و پیروی) و (سرپرستی) استعمال شده که وجه مشترک همه این معانی همان قرب معنوی است. منظور از واژه (ولایت) در بحث امامت، آخرین معنای مذکور، یعنی (سرپرستی) است (Jawadi, 1999). ولاء، ولایت (به فتح «واو» در ولایت)، به کسر «واو» در «ولی، مولی، اولی» و امثال اینها همه از ماده «ولی» (و، ل، ی) اشتقاق یافته‌اند. این واژه از پُرکاربردترین واژه‌های قرآن کریم است که به صورت‌های مختلفی به کار رفته است (Motahari, 2011). می‌توان گفت که ولایت در لغت، یعنی اتّصال و ارتباط و قرب دو چیز بصورت مماس و مستحکم با یکدیگر است. در هر کدام از معنی که برای ولایت گفته شده، به نوعی این قرب و نزدیکی بین

دو طرف وجود دارد. مثلاً «ولایت» به معنای محبت هم هست؛ چون محبّ و محبوب، با یکدیگر یک ارتباط و اتصال معنوی دارند و جدا کردنشان از یکدیگر، امکان‌پذیر نیست. و هکذا در سایر معانی آن. بنابراین «ولایت» پیوندی است از که از لحاظ فطری، روحی و عملی برقرار می‌شود.

مفهوم نعمت

نعمت، به معنای چیزی است که خداوند متعال آن را به بنده‌اش از مال و زندگی عطا می‌کند (Ibn Manzur, 1995)؛ و نیز گفته شده واژه «نعمت»، برگرفته از «نعم»، در اصل به معنای رفاه و زندگی پاکیزه است (Ibn Faris, 1985). نعمت در لغت فارسی، به معنای احسان، نیکی، بهره و خوشی، مال و روزی به کار رفته است. (عمید، ۱۳۷۵، ذیل واژه نعمت). در لغت عرب، این واژه از سه حرف اصلی (ن.ع.م) تشکیل شده و مشتقات آن فراوان است و همه آن‌ها به یک معنا می‌باشند: آسایش، خوشی، خیر و شایستگی در زندگی (ابراهیم، ۱۴۱۸، ذیل واژه نعمت). غزالی در تعریف نعمت می‌گوید «هر خیر و لذت و سعادت و بلکه هر مطلوبی که مقدمه برای نیل به مطلوب دیگری نباشد نعمت نامیده می‌شود. اما نعمت حقیقی و راستین، سعادت اخروی است و غیر از سعادت اخروی را نعمت و سعادت نامیدن غلط و یا مجاز است. چنان که نعمت نامیدن سعادت دنیوی که کمک به آخرت نماید غلط محض است. بنابراین نعمت عبارت است از هر وسیله و سببی که با واسطه یا بدون واسطه، آدمی را به سعادت آخرت برساند. در این صورت اطلاق نعمت صحیح است.» (Fayz Kashani, 2005).

زمینه‌های بهرمندی از نعمت ولایت در جهت رشد و تعالی

نعمت ولایت یکی از بزرگ‌ترین و ارزشمندترین نعمت‌های الهی است که در قرآن کریم و آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌طور ویژه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. ولایت به‌عنوان هدایت و راهنمایی از سوی خداوند برای هدایت انسان‌ها به سوی کمال و سعادت، نقشی بنیادین در رشد معنوی، اخلاقی و اجتماعی فرد و جامعه دارد. بهره‌مندی از این نعمت به‌ویژه در مسیر رشد و تعالی،

مستلزم شناخت صحیح ولایت و آگاهی از نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی است. این زمینه‌ها نه تنها شامل اطاعت از اولیاء الهی و پیروی از دستورات آنان است، بلکه به‌طور عمیق به درک و پذیرش ولایت به‌عنوان عامل هدایت و رسیدن به مقام قرب الهی ارتباط دارد. در این راستا، بررسی زمینه‌های بهره‌برداری از نعمت ولایت به‌منظور رشد و تعالی انسان‌ها از منظر قرآن و نهج البلاغه، می‌تواند ابعاد جدیدی از فهم رابطه انسان با خداوند و راه‌های نیل به کمال انسانی را روشن سازد. در ادامه به برخی از زمینه‌های بهرمندی از نعمت ولایت در جهت رشد و تعالی از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه اشاره می‌شود:

۱- توجه به قواعد نعمت‌های الهی

در مواجهه با نعمت‌های الهی، توجه به استفاده صحیح و بجا از نعمت‌ها ضروری است؛ زیرا شکر نعمت موجب افزایش آن می‌شود و ناسپاسی، کفران و محرومیت از نعمت‌ها را به دنبال دارد: ﴿وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾ (نحل/۵۳). نعمت‌ها به درجات مختلف از نظر اهمیت دسته‌بندی می‌شوند و عدم استفاده صحیح از آن‌ها موجب زوال می‌شود: ﴿سَنُؤْتِيكَ اللَّهُ أَتًى قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (فتح/۲۳). امام سجّاد (ع) نیز می‌فرماید: «نِعْمَتُكَ ابْتِدَاءٌ وَ مَتْنُكَ ابْتِدَاءٌ» (صحیفه سجّادیه، دعای ۱۲ و ۴۵)؛ یعنی نعمت‌های الهی از سر رحمت است، نه استحقاق. راه بهره‌مندی از نعمت‌های الهی، شناخت و صرف آن‌ها در مسیر الهی است. خداوند با احاطه بر انسان از درون و بیرون، نعمت‌هایش را طریق قرب و تعالی قرار داده است و استفاده صحیح از این نعمت‌ها موجب گسترش وجودی و شرح صدر انسان می‌شود.

۲- معرفت الهی (شناخت منعم)

معرفت به خداوند و شناخت نعمت‌های او، شرط اساسی برای بهره‌مندی از نعمات الهی است: ﴿وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾ (نحل/۵۳). امام عسکری (ع) می‌فرماید: «لَا يَعْرِفُ النِّعْمَةَ إِلَّا الشَّاكِرُ، وَلَا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ إِلَّا الْعَارِفُ» (Dailami, 1989). انسان با شناخت ولی نعمت و نسبت دادن نعمت به خدا، حتی بدون بیان زبانی شکر

نعمت را به جا می آورد: «مَنْ أُنْعِمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ... فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهَا» (Majlisi, 1987). امام صادق (ع) نیز معرفت به خدا، پیامبر و حجت الهی را لازمه حفظ دین می دانند: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ... فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» (Kulayni, 1987). در واقع، معرفت الهی هم نعمتی از جانب خداست و هم کلید بهره‌مندی بیشتر از سایر نعمات.

۳- صبر در طاعت و دوری از معصیت

صبر در طاعت و اجتناب از معصیت، زمینه بهره‌مندی از نعم الهی و استفاده آن را فراهم می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید: «وَأَسْتَمُوا نِعْمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ عَلَى طَاعَتِهِ، وَالْمُجَانَبَةِ لِمَعْصِيَتِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸). ناسپاسی نعمت‌ها انسان را به سرکشی و غفلت می‌کشاند: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ طَافٍ» (علق/۶-۷). همچنین پرهیز از گناه، بهترین شکر نعمت است: «شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ» (Majlisi, 1987). امام صادق (ع) نیز تأکید می‌کنند که با نعمت‌ها به خوبی رفتار کنید و از انتقال آن‌ها به دیگران پرهیزید، زیرا بازگشت آن‌ها دشوار است (Kulayni, 1987). صبر و ورع، شکر حقیقی و عامل بهره‌مندی بیشتر از نعمت‌های الهی است.

۴- شکرگزاری

شکرگزاری، تکلیفی از سوی خداوند برای انسان است که باعث تقویت رابطه بنده با پروردگار و فرونی نعمت‌های الهی می‌شود: «لَنْ شُكْرُكُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (ابراهیم/۷). با وجود بی‌نیازی خداوند از شکر انسان، تأکید قرآن بر سپاسگزاری، به‌ویژه برای نعمت‌های معنوی مانند توحید، نبوت و ولایت، نشان‌دهنده اهمیت آن در تقرب به خداست. امام صادق (ع) می‌فرماید: شکر حقیقی، شناخت منعم و نعمت است (Kulayni, 1987). امام علی (ع) تأکید می‌کنند: «چون سرآغاز نعمت به شما برسد، با کم‌سپاسی، دنباله آن را از خود دور نکنید» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴). شکر عملی شامل پرهیز از معصیت و بهره‌برداری درست از نعمت‌هاست که استمرار و بقای نعمت را تضمین می‌کند. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «احسان به نعمت‌ها کنید، زیرا اگر از شما دور شوند، به‌سختی بازمی‌گردند»

(Majlisi, 1987). بنابراین، شکرگزاری علاوه بر بهره‌مندی مادی، زمینه‌ساز رشد معنوی و تقرب به خداوند است.

۵- تضرع

تضرع به معنای ابراز ضعف و فروتنی در برابر خداوند، یکی از راه‌های دریافت رحمت و نعمت‌های الهی است. قرآن می‌فرماید: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً» (اعراف/۵۵). عدم تضرع در برابر بلاها، نشانه قساوت قلب و غفلت از ربوبیت خداست: «فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا» (انعام/۴۳). امام علی (ع) می‌فرماید: «اگر مردم هنگام زوال نعمت‌ها با خلوص قلب تضرع کنند، نعمت‌ها بازمی‌گردند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸). تضرع، علاوه بر بازیابی نعمت‌های از دست رفته، زمینه بهره‌مندی از نعمت ولایت و رشد معنوی را فراهم می‌کند. اولیای الهی با شدت معرفت و علاقه، تضرع را وسیله تقرب به خدا می‌دانند. قرآن کریم نیز ارتباط تضرع و سجده همراه با گریه را برای دریافت نعمت‌های معنوی تأکید کرده است: «إِذَا تَتَلَا عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًا» (مریم/۵۸).

۶- تفکر در نعمت‌ها

تفکر در نعمت‌های الهی، راهی برای تقویت ایمان و افزایش معرفت به خداوند است. قرآن تأکید می‌کند که نعمت‌های الهی فراتر از شمارش هستند: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» (ابراهیم/۳۴). حضرت علی (ع) می‌فرماید: «تفکر در نعمت‌های الهی عبادتی برتر است» (Haji Noori, 1988). تأمل در نعمت‌ها، مانند سلامتی، امنیت و هدایت، انسان را به قدرشناسی و سپاسگزاری هدایت می‌کند. امام علی (ع) در ارتباط نعمت و هدایت می‌فرماید: «اگر مردم در عظمت قدرت و نعمت الهی تفکر کنند، به راه راست بازمی‌گردند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵). تفکر در واژگان مرتبط با نعمت، مانند "آلاء" و "منت" در قرآن، نشان‌دهنده تنوع و گستره عظیم نعمت‌های الهی است. تفکر در نعمت ولایت نیز، انسان را به شناخت قدر این نعمت عظیم و بهره‌برداری از آن هدایت می‌کند.

۷- شناخت نعمت

شناخت نعمت‌های الهی اولین قدم در شکرگزاری و تقرب به خداوند است. انسان باید نعمت‌ها را بشناسد تا بتواند قدر آن‌ها را بداند و شکرگزار باشد. امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: «نعمت‌ها تا هستند ناشناخته‌اند، و زمانی که می‌روند، قدرشان شناخته می‌شود» (Majlisi, 1987). انسان باید درک کند که همه نعمت‌ها از جانب خداوند است، از نعمت‌های هستی گرفته تا درک مسائل و فهم‌ها، همه از مدد الهی است. امام باقر (علیه السلام) نیز تأکید دارند که حتی اگر فرد تمام عبادات را انجام دهد، اگر ولایت خدا را نشناسد، اعمالش بی‌اثر است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۹). این شناخت باعث رشد فطری انسان در شکرگزاری می‌شود و به نعمت‌های الهی ارزش بیشتری می‌بخشد. امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه «بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ» تأکید دارند که فضل خدا در ولایت محمد و آل محمد (ص) است (Kulayni, 1987). از این رو، شناخت نعمت ولایت به عنوان بزرگ‌ترین نعمت الهی، مسیر رشد و تعالی انسان را هموار می‌سازد.

۸- ذکر نعمت

یادآوری نعمت‌های الهی سبب تقویت ایمان و شکرگزاری می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (ضحی ۱۱)؛ انسان باید نعمت‌ها را به یاد آورد تا قدر آن‌ها را بداند و از غفلت درآید. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «خداوند برای یادآوری نعمت‌ها، پیامبران را فرستاده است» (نهج البلاغه، خطبه اول). این یادآوری نه تنها انسان را به شکرگزاری هدایت می‌کند بلکه موجب شکر بیشتر از نعمت‌ها می‌شود. برخی گمان می‌کنند باید نعمت‌های خدا را مخفی نگه دارند، اما قرآن بر افشای نعمت‌ها تأکید دارد تا دیگران از آن بهره‌مند شوند. امام صادق (علیه السلام) نیز در تفسیر آیه «وَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ» فرموده‌اند که نعمت ولایت از بزرگ‌ترین نعمت‌هاست (Kulayni, 1987). در واقع، ذکر نعمت‌ها باعث تقویت محبت به خداوند و جلوگیری از غفلت می‌شود و انسان را به شکر واقعی هدایت می‌کند.

۹- جلب نعم استحقاقی پروردگار

نعمت‌های الهی به دو دسته تقسیم می‌شوند: برخی نعمت‌ها بدون استحقاق به انسان داده می‌شود، مانند نعمت‌های اولیه‌ای که پیش از تولد انسان فراهم می‌شود. به عنوان مثال، خداوند پیش از خلقت انسان، زمین، هوا و مواد غذایی را مهیا کرده است. این نعمت‌ها بدون درخواست انسان به او عطا می‌شود (صحیفه سجاده/دعای ۴۵). دسته دیگر نعمت‌ها، نعماتی هستند که بر اساس عمل انسان به او داده می‌شوند. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» (رعد/۱۱)؛ این بدان معناست که انسان با اعمال خود می‌تواند شرایط دریافت نعمت‌های بیشتری را فراهم کند. شکرگزاری، درست استفاده کردن و اطاعت از دستورات الهی باعث جلب نعمات استحقاقی می‌شود. امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: «کسی که از نعمت‌های خدا شکرگزار باشد، این شکر باعث فزونی نعمت‌ها می‌شود» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۰). در نتیجه، اعمال انسان مستقیماً در جلب نعمات الهی تأثیرگذار است.

۱۰- حمد الهی

حمد الهی، برآیند شناخت و معرفت به خداوند است. هر چه انسان معرفت بیشتری به کمالات خدا داشته باشد، حمد او نیز کامل‌تر خواهد بود. امام علی (علیه السلام) در خطبه ۱۱۴ نهج البلاغه می‌فرماید: «ستایش مخصوص خداوندی است که حمد را به نعمت و نعمت را به شکر پیوند داد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴). حمد و سپاسگزاری از خداوند، انسان را شایسته دریافت نعمت‌های بیشتر می‌کند. حضرت سید الساجدین (علیه السلام) در صحیفه سجاده می‌فرماید: «اگر خداوند شناخت حمد را از بندگانش دریغ می‌کرد، آن‌ها از مواهب الهی استفاده می‌کردند اما شکرگزار نمی‌شدند» (صحیفه سجاده، دعای اول). حمد الهی نه تنها به دلیل شناخت نعمت‌هاست بلکه خود یک نعمت بزرگ از سوی خداوند است که انسان را به شکرگزاری و استفاده صحیح از نعمات الهی هدایت می‌کند. امام علی (علیه السلام) همچنین بیان می‌کنند که حمد کلید

ذکر خداوند و سبب افزایش فضل و رحمت الهی است (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷).

۱۱- اجتناب از تضييع نعمت

تضييع نعمت به معنای بیهوده مصرف کردن، خراب کردن یا استفاده نادرست از نعمت‌های الهی است. امام علی (علیه السلام) تأکید می‌کند: «هیچ نعمتی را ضایع نکنید و از هر نعمتی به طور صحیح بهره‌برداری کنید» (نهج البلاغه، نامه ۶۹). نعمت‌ها هدفمندند، و اگر در مسیر هدف‌شان به کار نروند، ضایع می‌شوند. ایشان همچنین می‌فرمایند: «هیچ قومی فراوانی نعمت خود را از دست نداده، مگر به واسطه گناهانی که مرتکب شده‌اند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸). دنیا اغلب انسان‌ها را به مسیرهای غفلت و مصرف نادرست نعمت‌ها می‌کشد و این غفلت موجب از دست رفتن نعمت می‌شود. قرآن کریم یادآوری می‌کند که تضييع نعمت، نتیجه ناسپاسی است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد/۱۱). بنابراین، حفظ نعمت‌ها مستلزم مراقبت، شکرگزاری و بهره‌برداری درست است.

۱۲- تقوای الهی

تقوای الهی یکی از عوامل اصلی در افزایش نعمت‌ها و برکت‌هاست. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (اعراف/۹۶). تقوا به معنای پرهیز از گناه و رعایت دستورات الهی، زمینه‌ساز بهره‌مندی از فضل و رحمت خداوند است. امام علی (علیه السلام) توصیه می‌کنند که همواره به یاد نعمت‌های الهی باشید و با تقوا شکرگزار آن‌ها باشید (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸). همچنین امام صادق (علیه السلام) شکر نعمت را اجتناب از محرمات الهی معرفی کرده‌اند (Majlisi, 1987). شکرگزاری عملی و حفظ تقوا، هم به حفظ نعمت‌ها کمک می‌کند و هم زمینه افزایش آن‌ها را فراهم می‌آورد.

۱۳- اجتناب از ظلم

ظلم یکی از بزرگ‌ترین عوامل از دست دادن نعمت‌هاست. امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «هیچ چیزی به اندازه ظلم و ستم، نعمت‌های الهی را تغییر نمی‌دهد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). قرآن کریم نیز تصریح

می‌کند که دعای مظلومان مستجاب است و خداوند همواره در کمین ظالمان است: ﴿إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةُ الْمُضْطَّهِدِينَ وَهُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ﴾ (نهج البلاغه، نامه ۵۳). ظلم، نعمت‌ها را از بین می‌برد و رحمت الهی را از انسان دور می‌کند. در دعای کمیل نیز آمده است: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ». بنابراین، اجتناب از ظلم، راهی برای حفظ و افزایش نعمت‌های الهی است.

۱۴- ایمان

ایمان به خداوند و پذیرش ولایت او، اساس دریافت و بهره‌مندی از نعمت‌های الهی است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ (بقره/۲۵۷). ایمان، انسان را تحت ولایت خداوند قرار می‌دهد و راهنمای او در مسیر رشد و کمال است. پذیرش ولایت محمد و آل محمد (علیهم السلام) نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از ایمان است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در غدیر خم فرمودند: «هر کس من مولای او هستم، علی نیز مولای اوست» (فضائل الخمسة، فیروزآبادی). ایمان، علاوه بر هدایت، سبب حفظ و افزایش نعمت‌ها و جلوگیری از تسلط طاغوت بر انسان می‌شود. به بیان امام صادق (علیه السلام): «امامان ابواب الهی هستند که بدون آن‌ها، خدا شناخته نمی‌شود» (Kulayni, 1987).

۱۵- اطاعت از اولیاء الهی

قرآن کریم اطاعت از اولیای الهی را در امتداد اطاعت از خداوند معرفی می‌کند، زیرا آنان مظاهر کامل ولایت الهی هستند. آیه شریفه ﴿مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ (نساء/۸۰) تصریح می‌کند که اطاعت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) عین اطاعت از خداوند است. همچنین، خداوند اطاعت از "اولی الامر" را نیز در کنار اطاعت از خود و رسولش واجب کرده است: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء/۵۹). این اولی الامر، طبق تفاسیر شیعه، به امامان معصوم (علیهم السلام) اشاره دارد که دارای علم، عصمت، و صلاحیت کامل برای هدایت جامعه هستند (Ayashi, 2001). اطاعت از ایشان در راستای پذیرش ولایت الهی و عمل به حق است. پیامبران و ائمه (علیهم السلام) به فرمان الهی مردم را به راه حق و صراط مستقیم

هدایت می‌کنند: ﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (شوری/۵۲). اطاعت از اولیای الهی به معنای اطاعت از علم، عقلانیت، و هدایتی است که از سوی خداوند برای رشد و سعادت بشر ارائه می‌شود (بقره/۱۷۰؛ مائده/۱۰۴). امام باقر (علیه السلام) فرمودند که ولایت اهل بیت (علیهم السلام) همان "صراط مستقیم" است (Safar, 2002). دعوت ایشان همواره به حق بوده و هیچ‌گونه باطل و هوای نفسانی در آن راه ندارد. بنابراین، اطاعت از آنان در حقیقت اطاعت از خداوند و راهی برای رسیدن به کمال انسانی و قرب الهی است. اطاعت از خدا و اولیای الهی آثار و برکات فراوانی دارد. خداوند برای مطیعان، بهشت جاودان و برای متمردان، عذاب دردناک وعده داده است: ﴿وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ... وَمَنْ يَتَوَلَّ يَعْذِبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ (فتح/۱۷). از دیگر آثار اطاعت می‌توان به رحمت الهی (آل عمران/۱۳۲)، رضایت خداوند (توبه/۷۱)، و رهایی از خوف و حزن (بقره/۳۸) اشاره کرد. اطاعت کنندگان خداوند و اولیای الهی در زمره صدیقین، شهدا، و صالحین قرار می‌گیرند و در دنیا و آخرت به رفاقت با ایشان مفتخر می‌شوند: ﴿فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾ (نساء/۶۹). همچنین، اطاعت موجب بهره‌مندی از فضل و نعمت الهی می‌شود: ﴿وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا﴾ (محمد/۳۳). به بیان امام علی (علیه السلام)، اطاعت از ولی خدا حقی است که به انسان رشد، سعادت، و جزای نیکو عطا می‌کند (Amadi & Rajai, 2008).

۱۶- ادای حق نعمت‌ها

هر نعمتی حقی بر گردن انسان دارد، و ادای این حق شرط بقای نعمت و رشد انسان است. امام علی (علیه السلام) فرمودند: «برای خدا در هر نعمتی حقی است؛ هر کس آن را ادا کند، نعمتش افزایش می‌یابد، و هر کس کوتاهی کند، نعمتش از بین می‌رود» (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴). ادای حق نعمت به معنای بهره‌برداری صحیح و شکرگزاری عملی از آن است. قرآن کریم در آیه ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ (ضحی/۱۱) به بازگو کردن و استفاده صحیح از نعمت‌ها تأکید دارد. نعمت ولایت از برجسته‌ترین نعمت‌هاست که حق آن در اطاعت از

امام، معرفت نسبت به او، و تبلیغ ولایتش ادا می‌شود. امام صادق (علیه السلام) فرمودند که «نعمت ولایت»، همان نعمتی است که در آیه ﴿ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ (تکواثر/۸) مطرح شده است (Majlisi, 1987). کوتاهی در ادای این حق، فرد را در معرض زوال نعمت قرار می‌دهد.

۱۷- توجه به هدف خلقت انسان

هدف از خلقت انسان رسیدن به قرب الهی و سعادت ابدی است: ﴿فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ﴾ (قمر/۵۵). این هدف تنها از طریق پذیرش ولایت الهی و اطاعت از پیامبران و امامان (علیهم السلام) قابل تحقق است. امام علی (علیه السلام) در این باره فرمودند: «با هدایت ما از تاریکی‌ها خارج شدید و به قله‌های عزت رسیدید» (نهج البلاغه، خطبه ۴). قرآن کریم اطاعت از اولیای الهی را راهی برای نیل به کمال انسانی معرفی می‌کند: ﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (شوری/۵۲). رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز در حدیث ثقلین فرمودند: «تا زمانی که به قرآن و اهل بیت من تمسک جوید، هرگز گمراه نخواهید شد». ولایت اهل بیت (علیهم السلام) نعمت عظیمی است که انسان را به هدف خلقت و سعادت اخروی می‌رساند. امام علی (علیه السلام) درباره نقش اهل بیت فرمودند: «آنها اساس دین و ستون یقین هستند» (نهج البلاغه، خطبه ۲). در نهایت، بهره‌مندی از ولایت و عمل به تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) کلید دستیابی به کمال انسانی و هدف والای خلقت است.

نتیجه‌گیری

بر اساس بررسی‌های انجام شده در این پژوهش معلوم شد که قرآن کریم به تأکید بر اطاعت از خداوند و رسولان او به عنوان وظیفه‌ی همه‌ی مؤمنان توصیه کرده است. همچنین، نهج البلاغه نیز به ولایت و اطاعت از ولی الله و رسولانش تأکید می‌کند و این را به عنوان راهی برای رسیدن به رشد و تعالی انسان‌ها و جامعه برجسته می‌سازد. همچنین نوع مواجهه مردم با نعمت‌های الهی عموماً و نعمت ولایت خصوصاً بسیار متفاوت است به گونه‌ای که بر اساس آنچه از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) استنباط می‌شود.

ولایت الله و شیطان، آثار و پی آمدهای آن برای بشر. ۳. نسبت بین ایمان و ولایت در قرآن کریم و روایات. ۴. مقایسه تطبیقی ولایت اولیاء الهی در ادیان آسمانی.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

This study explores the divine blessings and the significance of understanding, utilizing, and properly appreciating God's gifts, with a particular focus on the notion of "Wilayah" (divine leadership or authority). Through Quranic analysis and Hadith literature, the paper discusses how human beings can properly align themselves with these blessings to enhance both their spiritual and worldly lives. Central to this exploration is the relationship between faith, obedience to divine leaders, and the responsible use of God's gifts. The study presents a deep reflection on various concepts such as divine knowledge, patience, gratitude, and the avoidance of ingratitude, as seen through the lens of Islamic teachings.

The first concept under discussion is the importance of attending to divine gifts. According to the Quran, all blessings are a manifestation of God's mercy, and humans must engage with them appropriately to maintain their spiritual and material well-being. As God states in the Quran: "And whatever you have of blessing - it is from God" (Quran, 16:53). Human beings are reminded that misuse or ingratitude towards these gifts leads to their loss or diminishment. The teachings of Imam Ali (AS) reinforce this idea, emphasizing that understanding and utilizing these blessings in the path of God's will leads to a flourishing of the human spirit (Nahj al-Balagha, Sermon 188).

همچنین زمینه‌های بهرمندی از نعمت ولایت در جهت رشد و تعالی شامل این موارد است: جلب نعم استحقاقی پروردگار، معرفت الهی (شناخت منعم)، صبر در طاعت و دوری از معصیت، شکر گزاری، تضرع، تفکر در نعمتها، شناخت نعمت، ذکر نعمت، حمد الهی، اجتناب از تضييع نعمت، تقوای الهی، اجتناب از ظلم، ایمان، اطاعت از اولیاء الهی و ادای حق نعمت هاست. لذا به پژوهندگان و محققان حوزه علوم دینی پیشنهادات زیر تقدیم تا در جهت شناخت همه جانبه موضوع ولایت مورد بررسی قرار بگیرد. ۱. تاریخ و علل و زمینه‌های ولایت پذیری و ولایت گریزی در بین امتهای گذشته. ۲.

A key to benefiting from God's gifts is knowing the Giver, that is, attaining divine knowledge. Imam al-Askari (AS) states, "Only the grateful truly recognize the blessings, and only the knowledgeable can truly express gratitude" (Dailami, 1989). True understanding of the divine is essential for properly utilizing and appreciating God's gifts. This notion extends to the essential concept of patience in worship and avoiding sin. Imam Ali (AS) teaches that maintaining God's blessings requires patience in worship and a conscious effort to avoid disobedience (Nahj al-Balagha, Sermon 188). Gratitude, in the form of abstaining from sin and properly using one's blessings, ensures their continued existence and growth.

Gratitude (Shukr) is central to the relationship between humans and their Creator. The Quran emphasizes the importance of gratitude: "If you are grateful, I will surely increase your favor upon you" (Quran, 14:7). This expression of gratitude, especially in recognizing the spiritual blessings of monotheism, prophethood, and divine leadership, is essential for a closer relationship with God. Imam Ali (AS) further stresses that one should not squander the blessings of God, for they are fleeting and must be treated with respect and reverence (Nahj al-Balagha, Wisdom 14).

Another important concept explored in this study is supplication and humility (Tadharu). The Quran encourages believers to call upon God with sincerity, particularly in times of difficulty: "Call

upon your Lord in humility and privately" (Quran, 7:55). Imam Ali (AS) emphasizes that supplication, especially when one has lost God's blessings, can restore them and open the door to spiritual growth (Nahj al-Balagha, Sermon 178). This act of turning to God with humility is not just a means of recovering lost blessings but is also instrumental in securing divine favor and guidance.

The paper also delves into the significance of contemplating God's gifts. Reflecting on the countless blessings bestowed upon humanity strengthens one's faith and draws the believer closer to God. The Quran speaks about the multiplicity of blessings: "If you should count the favors of Allah, you could not enumerate them" (Quran, 14:34). Imam Ali (AS) regards such contemplation as a superior form of worship, reminding believers that recognizing God's mercy through reflection brings them closer to the truth (Haji Noori, 1988).

Faith and obedience to God and His chosen representatives are the bedrock for human flourishing. The Quran clearly states: "Indeed, Allah is the ally of those who believe, who bring them out from darkness into the light" (Quran, 2:257). Furthermore, the relationship between faith and obedience to God's divine leadership is highlighted in the teachings of the Prophet and the Imams. By following the teachings of the infallible leaders (Ahl al-Bayt), a believer aligns themselves with the divine path and secures eternal success. Imam Ali (AS) stated that "following the guidance of the Imams brings humans from the darkness to the heights of glory" (Nahj al-Balagha, Sermon 4). The importance of obedience to the divine leaders is further discussed, where the Quran asserts that those who obey the Prophet have in fact obeyed God (Quran, 4:80). Through such obedience, the believer attains proximity to God, securing both temporal and eternal blessings.

In conclusion, the study emphasizes that the proper recognition and utilization of divine blessings, particularly the blessings associated with Wilayah (divine leadership), are pivotal to human spiritual and material growth. The Quran, along with the teachings of the Prophet and the Imams, offers

comprehensive guidance on how to maintain these blessings and grow in faith. Several key factors, such as gratitude, patience, supplication, reflection, and obedience, form the pillars for benefiting from God's gifts. The study suggests further research into the historical contexts of human interaction with divine authority, and the comparative study of divine leadership in different religions to expand the understanding of this important concept. Furthermore, scholars are encouraged to examine the relationship between faith, obedience, and spiritual development in greater depth to further explore the dynamics of divine gifts in the life of a believer.

The research calls for further exploration into the historical and spiritual dimensions of accepting divine authority, with a focus on Wilayah, its impact on society, and the processes through which faith and spiritual obedience can lead to the flourishing of both the individual and the community.

References

- Amadi, A., & Rajai, S. M. (2008). *Ghorar al-Hikam wa Durar al-Kalim*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Ayashi, M. b. M. u. (2001). *Tafseer al-Ayashi*. Al-Matbah al-Ilmiyyah.
- Dailami, H. b. M. (1989). *A'lam al-Din fi Sifat al-Mu'minin*. Al al-Bayt Institute for Heritage Revival.
- Fayz Kashani, M. H. (2005). *Mahajat al-Bayda'*. Hasnain Publications.
- Haji Noori, M. H. (1988). *Mustadrak al-Wasa'il*. Al al-Bayt Institute.
- Ibn Faris, A. (1985). *Mu'jam Maqayis al-Lugha*. Maktab al-Ilm al-Islami.
- Ibn Manzur, M. b. M. (1995). *Lisan al-Arab*. Dar Sader.
- Jawadi Amuli, A. (1999). *Wilayat Faqih: Wilayat Faghahat wa Adalat*. Esra Publications.
- Kulayni, M. b. Y. q. (1987). *Al-Kafi*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Majlisi, M. B. (1987). *Bihar al-Anwar*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Motahari, M. (2011). *Wilayah-ha wa Wilayah-ha*. Sadra Publications.
- Safar, M. b. H. (2002). *Basā'ir al-Darajāt al-Kubra fi Fadā'il Ahl Muhammad (AS)*. Al-Haydariyah Library.